

خدای ایلیا کجاست؟

خدا می خواهد که همه مردمش با اعتماد به نفس زندگی کنند که خدا می تواند در هر زمان از آنها استفاده کند و از طریق آنها هر کاری را انجام دهد که کتاب مقدس از آن صحبت می کند

ما به این نگرش درونی نیاز داریم، که اغلب با اطمینان و جسارت بیرونی نیز بیان می شود، زیرا خداوند شاگردان خود و ما را به انجام کارهای خود فرا خوانده است: یوحنا 14:12 - همانا، همانا به شما می گویم، هر که به من اعتماد کند، ایمان بیاورد. او کارهایی را که من انجام می دهم انجام خواهد داد و کارهای بزرگتر از اینها را انجام خواهد داد. زیرا من نزد پدر می روم

و درست مانند شاگردانش در آن زمان، عیسی نیز فرستاد و به ما قدرت داد: متی 10:7-8 - اما وقتی رفتید، موعظه کنید و بگویید: ملکوت آسمان نزدیک است. بیماران را شفا می دهد، مردگان را زنده می کند، جذامیان را پاک می کند، شیاطین را بیرون می کند! رایگان دریافت کرده اید، رایگان بدهید! - اگر عیسی می گوید که ما باید این کار را انجام دهیم، پس باید فرض کنیم که این برای همه نیز ممکن است. این موضوع نگران ما بوده و خواهد بود

امروز می خواهیم در مورد دو تن از بزرگترین پیامبران عهد عتیق یعنی الیاس و الیشع صحبت کنیم. آنها از این نظر عالی بودند که برخی از خارق العاده ترین معجزات را انجام دادند و الیاس اغلب در عهد جدید به ما ارائه می شود. به عنوان مثال، او در کنار موسی در کوه تبدیل ظاهر شد و با عیسی صحبت کرد. الیاس و الیشع افرادی بودند که قبل از عیسی زندگی می کردند، یعنی تحت عهد قدیمی، و در عین حال در قدرت خدا و تحت مسح روح القدس قدرتمند بودند

در آن زمان، روح القدس فقط به گروه های خاصی از مردم، مانند پادشاهان، کاهنان و پیامبران می آمد. و روح القدس پیوسته بر مردم نیز نبود. معمولاً برای یک زمان خاص بود. آمد و دوباره رفت، برخاست و افتاد

وقتی بر مردم بود یا بر آنها می آمد، به آن مسح می گفتند. یعنی تا زمانی که مسح بر آنها بود، خداوند آنها را قادر به انجام برخی کارها کرد

الیاس و الیشع نبی بودند و آنچه که مختص پیامبران بود، از جمله این بود که خداوند به وسیله آنها نشانه ها و شگفتی هایی انجام داد. در عهد جدید می بینیم که روح القدس نه تنها بر مردم، بلکه به درون آنها، بر هر مؤمنی وارد شد و بدین ترتیب بخشی از آنها شد. روح القدس دوباره ما را رخ داد، بلکه پس از تولد دوباره و تبدیل شدن به فرزندان خدا، OT ترک نمی کند، همانطور که در از مسح که در ما است و در ما باقی می ماند صحبت NT برای همیشه باقی می ماند. و بنابراین می کند

وضعیت شروع امروز ما متفاوت و بهتر از مومنان آن زمان است. با این وجود، ما می توانیم از این افراد بیاموزیم و چیزهای زیادی از آنها بیاموزیم

ذکر شده است که ما باید برای یکدیگر دعا کنیم تا بتوانیم شفا پیدا کنیم. NT الیاس نبی نیز در متن یعقوب 16:5-18 - اکنون به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا پیدا کنید. بنابراین در مورد تأثیر دعا است که اکنون به مثالی از). دعای عادل از نظر تأثیر می تواند بسیار باشد ایلیا مردی با همان طرز فکر ما بود. و با جدیت دعا کرد که باران نیارد و (پیوند داده شده است OT سه سال و شش ماه بر زمین باران نیارید. و دوباره دعا کرد و آسمان باران داد و زمین میوه خود را بیرون آورد

آنچه در اینجا به ما منتقل می شود این است که هر چقدر هم که داستان های پیامبران برای ما باورنکردنی به نظر برسد، دعا های امروز ما و آنچه خدا می تواند از طریق ما انجام دهد دقیقاً همان

تأثیری را دارد که در آن زمان انجام داد: برای کسانی که ایمان می‌آورند هیچ چیز غیرممکن نیست. ایلیا هم آدمی بود مثل ما با همان ضعف‌ها و احساسات. پس خدا می‌تواند از طریق هر یک از فرزندانش هر کاری انجام دهد.

نگاه می‌کنیم، اغلب متوجه می‌شویم که مسح افراد با چیزهای خاصی OT وقتی به داستان‌های مرتبط بوده است. موسی عصای خود را داشت، داوود چنگ خود را داشت، سامسون موهای خود را داشت، و ایلیا خرقة خود را. امروز فرق کرده روح القدس در ما به عنوان یک شخص وجود دارد و ما به سادگی دعا می‌کنیم و به نام عیسی عمل می‌کنیم. چیزهای بیرونی، مانند نفت، در واقع ضروری نیستند زیرا هیچ قدرتی در آنها پنهان نیست. آنها فقط به عنوان کمک به ایمان مردم عمل می‌کنند.

هنگامی که ایلیا شاگرد خود الیشع را صدا زد، ایلیا هنگامی که در مزرعه با او روبرو شد، خرقة خود را بر او انداخت. خرقة نماد مسح، قدرت خدا بود. سپس الیشع با الیاس رفت و از او، استاد و شاگرد، بسیار شبیه عیسی و شاگردانش، آموخت. تحت مسح استاد، شاگردان می‌توانستند هر کاری انجام دهند. و به این ترتیب شاگردان نیز بیماران را شفا دادند، دیوها را بیرون کردند، و هنگامی که عیسی آنها را بیرون فرستاد، کارهای دیگری انجام دادند. این مسح او بود که تحت آن این کار را انجام دادند. اما پس از آن عیسی رفت و روح القدس آمد. سپس دیگر مسح عیسی نبود که در آن به انجام این کارها ادامه دادند، بلکه مسح خودشان بود. زیرا روح القدس بر هر یک از آنها و در هر یک از آنها نازل شد تا همه آنها (از جمله ما) به انجام کارهای خدا ادامه دهند.

البته در میان یهودیان شناخته شده و OT باز هم به طور خلاصه در مورد شنل ایلیا. داستانهای فراگیر بود. و به این ترتیب شناخته شد و اعتقاد بر این بود که مسح خداوند که معجزات نیز از طریق آن رخ می‌دهد، اغلب با خرقة پیامبران همراه بوده است. مردم عیسی را پیامبر می‌دانستند و به همین دلیل بود که زن با خون می‌خواست به جامه عیسی یعنی خرقة او دست بزند، زیرا با خود گفت: "اگر فقط لبه جامه او را لمس کنم، شفا خواهم یافت." او در همان لحظه شفا یافت، زیرا با ایمان دستش را دراز کرد. هیچ کس متوجه این موضوع نشد، اما عیسی! احساس کرد قدرتی از او می‌آید: ایمان چیزها را حرکت می‌دهد.

الیشع اکنون از الیاس پیروی کرد و از او آموخت و تحت مسح او خدمت کرد. و اکنون زمانی فرا رسید که خداوند گفت که الیاس را خواهد برد. آن وقت الیزا تنها می‌ماند. خوب چه کار کنیم؟ - این دوباره شبیه عیسی و شاگردانش است. عیسی گفت که او می‌رود، پس آنها چه باید بکنند. عیسی وعده روح القدس را برای همه داد. اما اینجا با الیاس و الیشع کمی متفاوت بود: ما داستان را خواندیم

دوم پادشاهان 2:1 - و هنگامی که خداوند می‌خواست الیاس را با طوفان به آسمان بالا ببرد، ایلیا و الیشع از جلجال خارج شدند

در آیات 2-6، الیشع بارها وسوسه می‌شود که الیاس را ترک کند و به زندگی قبلی خود بازگردد. کسی که مسح، وصلت به خدا دارد، برود. حالا همه چیز به حالت قبل برمی‌گردد. من هرگز نمی‌توانم کاری را انجام دهم که ایلیا انجام داد، اما حضور در آنجا خوب بود. استعفا و اندوه می‌توانست وارد شود. این همیشه مشکل زمانی است که به مردم وابسته می‌شویم و ایمان ما به آنها بستگی دارد.

اما این اتفاق نیفتاد. الیشع به آن چسبید. او تسلیم نشد، بدون توجه به اینکه الیاس می‌رفت، ایمان را حفظ کرد. او با خود گفت: اگر خدا می‌تواند همه این کارها را از طریق ایلیا انجام دهد، پس او می‌تواند آن را از طریق من انجام دهد. و دقیقاً این نگرش است که کلیدی است. ما امروز هم به آنها نیاز داریم.

و بدین ترتیب آن دو به همراه 50 تن دیگر از شاگردان پیامبران به رود اردن آمدند.

دوم پادشاهان 2: 7-8 - و پنجاه مرد از پسران انبیا با آنها رفتند و در کناری ایستادند و به رود اردن رسیدند. سپس ایلیا خرقة خود را گرفت و پیچید و به آب زد. و این طرف و آن طرف تقسیم شد و آن دو بر خشکی گذشتند. - می بینید که چگونه ردای، مسح پیامبر، اینجا دوباره استفاده شد و معجزه دیگری به وجود آورد. الیزا این را مشاهده کرد و او هم پیش رفت. اما همه دانشجویان پیامبر دیگر نرفتند. آنها در ساحل دیگر توقف کردند و ناظر باقی ماندند. سؤال این است که آیا می‌خواهید ناظر بمانید یا می‌خواهید در کار خدا شرکت کنید؟

الیسع مانند لنگان به الیاس چسبیده بود. او مانند یعقوب بود که به خدا گفت: من تو را رها نمی‌کنم مگر اینکه مرا برکت دهی. - خیلی زورگیر است، اما این نگرش است که در آن چیزی به دست می‌آورد. نه اینکه بتوانیم چیزی را از خدا مجبور کنیم، بلکه اگر بخواهیم چیزی را تجربه کنیم، نگرش ایمانی مبتنی بر قول و قول او لازم است.

دوم پادشاهان 2: 9 - و در حالی که آنها در حال عبور بودند، ایلیا به الیسع گفت: قبل از اینکه از تو دور شوم، بخواه که برای تو چه کنم. الیسع گفت: تا دو برابر روح تو به من داده شود. ایسا الان کاملا متواضع نبود. اما حیا نیز رفتاری در پیشگاه خداوند نیست که وقتی چیزی را می‌خواهی و برای او کار می‌کنی لازم است. الیسع علیرغم تمام کارهای شگفت‌انگیزی که الیاس از طریق خدا انجام داد، خواستار مسح مضاعف شد. - "برای بزرگ‌ترین موهبت‌ها تلاش کن تا!" در آنها فراوان شوی

بر خلاف عیسی که می‌توانست این را تضمین کند، الیاس می‌دانست که این در اختیار او نیست. پس ایلیا گفت: دوم پادشاهان 2: 10 - شما چیزهای سختی خواسته‌اید! وقتی دیدی مرا از تو گرفته‌اند، این به تو داده می‌شود. اما اگر نه، آنگاه به <شما> > داده نمی‌شود. - این بدان معنی است که الیسع اجازه نداشت چشم از الیاس بردارد. باید به او نگاه می‌کرد. راهی که باید به عیسی نگاه کنیم. او با امید، با امید و با ایمان به الیاس نگاه کرد. چه اتفاقی خواهد افتاد؟

دوم پادشاهان 2: 11-12 - «و چنین شد که راه می‌رفتند و راه می‌رفتند و صحبت می‌کردند، اینک آرابه ای از آتش و اسب‌های آتشین آنها را از یکدیگر جدا می‌کرد. و ایلیا در گردباد به آسمان صعود کرد. و الیسع آن را دید و فریاد زد: «پدر من، پدرم!» آرابه اسرائیل و تیمش! بعد دیگر او را ندید. سپس لباسهایش را گرفت و دو نیم کرد. «الیسع آن را دید زیرا چشمش به الیاس بود. و چیز دیگری را دید که اگر ایمانش را رها می‌کرد و از پروردگارش چشم می‌پوشید از آن غافل می‌شد. دید که چیزی از آسمان در حال سقوط است. او چیزی را دید که باعث شد لباس خودش، ردای خودش را پاره کند و به این ترتیب زندگی قدیمی خود را در سایه ایلیا رها کند و در زندگی جدیدی قدم بگذارد. او چه دید؟

چیزی از بالا پایین آمد. او ردای الیاس، مسح، قدرت خدا را دید که بر زمین افتاد. هنگامی که عیسی به آسمان عروج کرد، روح القدس را وعده داد و آمد، در پنطیکاست از آسمان به زمین افتاد، بر شاگردان و بر هر یک از آنها نشست. مسح که با آن عیسی تمام معجزات خود و همه کارهای خدا را انجام داد. او افتاد و او ماند. او اکنون اینجا است، حاضر است. وقتی به عیسی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که او چگونه ردای خود را رها کرده است، و ما می‌توانیم با ایمان، آن مسح، آن جامه را بگیریم و در آن زندگی و عمل کنیم.

و الیسع چه کرد؟ - او همان کاری را کرد که ما باید انجام دهیم. دوم پادشاهان 2: 13-14 - «و جامه ایلیا را که از دستانش افتاده بود برداشت و برگشت و در ساحل اردن ایستاد. و جامه ایلیا را که از او افتاده بود گرفت و به آب زد و گفت: بیهوه خدای ایلیا کجاست؟ پس او نیز به آب زد، و آب این‌جا و آنجا جدا شد و الیسع رفت.» - الیسع دیگر با قدرت خود راه نمی‌رفت، بلکه در مسح‌ای که از استادش گرفته بود، قدم برداشت.

ما نیز دیگر با قوت خود راه نمی‌رویم، بلکه با نیرویی که خدا به ما داده است، در مسح روح القدس، که در ماست و بر ماست تا اعمال خدا را انجام دهیم، همانطور که در ابتدا خواندیم.

و الیشع چگونه این مسح را فعال کرد؟ او شجاع بود و فقط آن را به چالش کشید. حالا باید ثابت بشه من فقط این کار را انجام می دهم، با ایمان، با اطاعت - صرف نظر از اینکه چیزی احساس می کنم یا نه. - درست مانند پطرس که گفت: "به قول تو، خداوند، جرأت خواهم کرد و آن را انجام خواهم داد." ایلیا ردای مسح را گرفت و گفت: "خدای ایلیا کجاست؟ و معجزه رخ داد، اردن از هم جدا شد. خدا پای ایمانش ایستاد، پای شجاعتش ایستاد

همانطور که عیسی در کنار ایمان و اطاعت شاگردانش ایستاد و گفتار و اعمال آنها را به نام خود با نشانه ها و شگفتی های همراه تأیید کرد. بگذار الیشع لباس های خود، زندگی قدیمی اش، تفکر! قدیمی اش را با لباس جدید، مسح از بهشت، ردای از بالا مبادله کند

خدا همیشه خدایی بوده که معجزه می کند و تا به امروز تغییر نکرده است. و به دنبال افرادی است که به او اعتماد کنند و در اطاعت و ایمان اجازه دهند که در اینجا نیز مورد استفاده او قرار گیرند. - با مسحی که به شما داده شده چه خواهید کرد؟ آیا ما فقط با ایمان و به چالش کشیدن برای جلال او کارها را انجام خواهیم داد؟

ما باید همیشه و همیشه روی قدرت ماوراء طبیعی خدا حساب کنیم. آنچه لازم است اطاعت، ایمان و شجاعت است (شکل خاصی از جسارت)

اگر خدا بگوید مریض ها را شفا دهید، این اتفاق نمی افتد مگر اینکه دست روی دست بگذاریم. اگر خدا بگوید که شیاطین را بیرون کنید، این اتفاق نمی افتد مگر اینکه با ایمان در مقابل آنها بایستیم. اگر خدا بگوید مرده را زنده کنیم، این اتفاق نمی افتد مگر اینکه خودمان با ایمان برایش دعا کنیم.

جرات یه چیزی به حرفش اعتماد کن بگذارید چیزهای بزرگ را باور کنیم و از کوچک شروع کنیم. نترسید. اجابت دعا و ایمان ما دغدغه ما نیست، بلکه خداست. - اما اگر جرات نداشته باشی، برنده نمی شوی